



1. قبل قبض

الف) تلف کل جنس □ از جیب بائع رفته است و از طرفی نمائات برای مشتری است.

مثال: وحید گوسفند به خصوصی را به خسرو فروخته است و قبل از آن که به خسرو تحویل دهد، تلف می شود. در اینجا معامله باطل است و ثمن معامله، اگر به وحید داده شده، باید به خسرو برگردد و از طرفی شیر، پشم و... آن از زمان معامله تا زمان تلف شدن، همه برای خسرو است.

ب) تلف قسمتی از جنس □ معامله نسبت به مقدار تلف شده، خودبه خود فسخ شده است و به همان نسبت ثمن معامله به مشتری برگردانده می شود و مشتری درباره مقدار تلف نشده نیز حق فسخ دارد.

مثال: وحید ۱۰ کیلوگرم برنج بخصوصی (یعنی جزئی نه ده کیلوگرم کلی) به خسرو به قیمت ۲۰ هزار تومان می فروشد، اما قبل از تحویل ۲ کیلوگرم آن از بین می رود یا کسی دو کیلوگرم آن را سرقت می کند. با توجه به اینکه هر کیلوگرم برنج ۲ هزار تومان قیمت دارد، وحید باید ۴ هزار تومان از ۲۰ هزار تومان گرفته شده را به خسرو برگرداند. و علاوه بر این، خسرو حق دارد معامله را نسبت به مابقی برنج ها فسخ کند و ۱۶ هزار تومان بقیه را هم پس بگیرد. همچنین می تواند به معامله پایبند باشد و ۱۶ هزار تومان را در ازاء ۸ کیلو برنج به وحید بدهد.

ج) معیوب شدن جنس □ طرف مقابل خیار عیب دارد.

مثال: فرض کنید در مثال قبل، به جای از بین رفتن دو کیلوگرم از برنج ها، کل آن معیوب شود، ولی هنوز ارزش کمی دارد. در این حالت خسرو می تواند معامله را فسخ کند. ولی اگر به معامله راضی شود، حق ندارد چیزی از وحید به عنوان خسارت بگیرد.

نکته

در مثال فوق در صورتی حق گرفتن خسارت وجود ندارد که فروشنده در حفظ و نگهداری جنس کوتاهی یا زیاده روی نکرده باشد و الا اگر معیوب شدن جنس مستند به وحید باشد خسرو حق گرفتن خسارت دارد.